

Using Religious Symbols in Educational Public Spaces with Emphasis on the Decisions of Italian Courts and European Court of Human Rights

(Type of Paper: Research Article)

Alireza Jalali*, Mohammad Abouata†

Abstract

The religious freedom of every citizen finds a limit in the freedom and rights of others which one of them is freedom of religion and conscience. In other words, religious freedom of a person ends where others' freedom of religion and conscience begins. Finding a balance between these two principles for legal systems is not simple, but in multi-ethnic societies and with different religions such as Council of Europe Member States, it is a fundamental thing to guarantee peaceful coexistence between people. One of the issues that in recent years have attracted the attention of the jurists is the question of the presence of religious symbols in public spaces, which has a direct impact on freedom of religious and conscience of citizens. In this article, we will discuss one of the specific aspects of the topic i.e. the question of the presence of the crucifix in public spaces with particular attention to the jurisprudence of the Italian courts and the European Court of Human Rights in the "Lautsi v. Italy" case.

Keywords

European Court of Human Rights, Human Rights, Crucifix, Public Space, Italian Courts, Religious Symbol.

1. Assistant Prof., Department of Law, Faculty of Humanities, University of Damghan, Damghan, Iran (Corresponding Author). Email: a.jalali@du.ac.ir
2. Associate Prof., Department of Law, Faculty of Humanities, University of Semnan, Semnan, Iran. Email: abouata@semnan.ac.ir

Received: June 04, 2018 - Accepted: March 11, 2020



This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose.

استفاده از نمادهای مذهبی در فضاهای عمومی آموزشی با تأکید بر آرای محاکم ایتالیا و دیوان اروپایی حقوق بشر

(نوع مقاله: علمی - پژوهشی)

علیرضا جلالی^{۱*}، محمد ابو عطا^۲

چکیده

آزادی مذهبی هر شهروندی، در برابر آزادی‌ها و حقوق دیگر افراد جامعه قرار می‌گیرد که یکی از موارد، آزادی دینی و وجدان دیگران است. قلمرو حق بر آزادی مذهبی افراد، جایی به پایان می‌رسد که آزادی دینی و وجدان دیگران آغاز می‌شود. هر چند ایجاد توازن منطقی از طرف نظام‌های حقوقی برای این دو اصل، کاری دشوار است، اما در جوامع چندملیتی و با تکثر مذاهب و فرهنگ‌ها مانند کشورهای عضو شورای اروپا، امری ضروری است تا همزیستی مسالمت‌آمیز اقوام و ادیان آسیبی نبیند. یکی از موضوعاتی که در این زمینه در سنوات اخیر توجه حقوقدانان را جلب کرده، بحث قرار دادن نمادهای مذهبی در فضاهای عمومی است که تأثیری مستقیم در آزادی وجدان و حق بر آزادی مذهبی شهروندان دارد. در این مقاله، یکی از موارد خاص طرح‌شده، یعنی در فضای عمومی قرار دادن نماد صلیب، با تأکید و استناد به رویه قضایی محاکم کشور ایتالیا و همچنین رویه دیوان اروپایی حقوق بشر در قضیه «لائوتزی علیه ایتالیا» بررسی شده است.

کلیدواژگان

دیوان اروپایی حقوق بشر، صلیب، فضای عمومی، محاکم ایتالیا، نماد مذهبی.

۱. استادیار، گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه دامغان، دامغان، ایران (نویسنده مسئول).
Email: a.jalali@du.ac.ir
۲. دانشیار، گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه سمنان، سمنان، ایران.
Email: abouata@semnan.ac.ir
تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۳/۱۴، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۲/۲۰

مقدمه

آزادی مذهبی^۱ یا همان آزادی دینی (مقامی و مکی، ۱۳۹۷: ۱۴۰)، بی‌شک در شمار حقوق بنیادین و حقوق بشر محسوب می‌شود و این امر در اسناد حقوقی مختلف و رویه محاکم و نهادهای بین‌المللی و منطقه‌ای تأیید شده است (African Commission on Human and People's Rights, 2017: paragraph 163). در کنار اصل مذکور، موضوع بااهمیت دیگر برای نظام‌های حقوقی چه در داخل کشورها چه در قلمرو حقوق بین‌الملل، مسئله همزیستی مسالمت‌آمیز فرهنگ‌ها و ادیان مختلف است. در بسیاری مواقع، این دو اصل می‌توانند به راحتی کنار هم قرار گیرند، اما تجربه بشری در طول تاریخ و همچنین در دهه‌های اخیر در نقاط گوناگون جهان نشان می‌دهد که وجود همزمان آزادی و همزیستی مسالمت‌آمیز در امور مذهبی، موضوعی نیست که همواره بتواند به آسانی تجلی پیدا کند. درگیری‌هایی که در سنوات گذشته بین پیروان ادیان مختلف صورت گرفته‌اند، به خوبی نشان می‌دهد که اجرای دو اصل موضوع مطالعه، ممکن است با تعارض‌هایی مواجه شود، چراکه گسترش بیش از حد آزادی مذهبی پیروان یک دین خاص می‌تواند قلمرو این حق را برای پیروان ادیان و مکاتب دیگر محدود کند (Turchi, 2017: 4). بحث نظام حقوقی نمادهای مذهبی در فضای عمومی رابطه نزدیک با مسئله مطروحه دارد، به خصوص بین نظام‌های حقوقی کشورهای عضو شورای اروپا^۲ که بافت اجتماعی چندملیتی دارند. با توجه به تأثیرپذیری زیاد این کشورها از نظام حقوقی شورای نامبرده و لازم‌الاجرا بودن آرای دیوان اروپایی حقوق بشر^۳ (Morrone, 2007: 126)، یعنی نهاد قضایی این سازمان بین‌المللی، برای درک بهتر موضوع علاوه بر مراجعه به مقررات و رویه داخلی، باید به رویه دادگاه بین‌المللی مذکور هم اشاره‌ای داشته باشیم. اهمیت پژوهش بیشتر جایی متبلور می‌شود که حقوقدانان، آزادی مذهبی و همزیستی مسالمت‌آمیز ادیان را نه تنها مطالعه، بلکه توازن منطقی بین این دو اصل را ایجاد کند تا از یک طرف، حق بر آزادی دینی افراد به رسمیت شناخته شود و از طرف دیگر، این حق به طریقی گسترش نیابد که آزادی سایر افراد در همین زمینه یا زمینه‌های مشابه و مرتبط (شهبازی، ۱۳۸۹: ۴۰) ضایع شود. در این مقاله به صورت دقیق یکی از مصادیق تجلی آزادی مذهبی که حق در انظار عمومی قرار دادن نمادهای مذهبی است، به خصوص بحث وجود صلیب در اماکن آموزشی و مدارس، بررسی می‌شود. هدف مقاله، مشخص شدن حدود آزادی مذهبی پیرامون در معرض عموم گذاشتن نمادهای مذهبی بوده و تمرکز ما، متوجه نظام‌های حقوقی کشورهای عضو شورای اروپا، به ویژه ایتالیاست. البته این مهم، با تأکید بر قوانین، مقررات، دکترین و رویه قضایی نهادهای داخلی و منطقه‌ای این حوزه جغرافیایی انجام خواهد گرفت.

1. Freedom of Religion
2. Council of Europe
3. European Court of Human Rights

مفهوم نماد مذهبی

از واژه نماد مذهبی، معانی مختلفی ارائه شده است. از نظر برخی، نماد، عنصری است که معانی عمیق و متعددی را به صورت مکتوم در خود ذخیره می‌سازد، به نحوی که جز از طریق تفسیر یا رمزگشایی، به مفهوم و مقصود نهفته در آن نمی‌توان دست یافت. به عبارت دیگر، نمادها عناصری هستند که ایده‌ها را حمل و به مردم منتقل می‌کنند. این نشانه‌ها، با ادیان رابطه نزدیکی دارند، زیرا دین، مسئله‌ای است که به ماورای ماده مربوط می‌شود و نمادهای دینی، نشانه‌هایی هستند که در قالب محسوس به عالم نامحسوس اشاره دارند. اصلی‌ترین ویژگی نمادهای دینی اشاره به ماورای خویش، قدرت شفابخشی و هماهنگی گروه‌های اجتماعی است (تقی‌زاده داوری و بابایی، ۱۳۹۵: ۳۸-۳۷). از منظر گروهی دیگر، نماد از اصطلاحاتی است که روانکاوان، روان‌شناسان، دین‌شناسان و پژوهشگران عرصه عرفان، تعریفی از آن ارائه کرده و از نظرگاه خود به آن نگریسته‌اند. این گستردگی مفهومی، ارائه تعریفی جامع را از نماد دشوار می‌کند. اما وجه اشتراک تعاریف ارائه شده، عبارت است از اینکه نماد باید معنایی فراتر از معنای ظاهری داشته باشد (رسولیان آرانی و مباحثی، ۱۳۹۶: ۱۳۱). نمادهای مذهبی که برای مثال برای ادیان مختلف می‌توانیم نام ببریم به شرح زیرند: در آیین مسیحی، اشیایی چون تسبیح مقدس^۱ یا صحنه مصلوب شدن حضرت مسیح (ع) (صلیب) نمونه‌های واضح از نمادهای دینی‌اند. در اسلام، علم‌هایی که در دسته‌های عزاداری استفاده می‌شوند یا ادعیه‌ای که در چارچوب مدال‌های زینتی یا انگشتر و مهر و تسبیح تجلی پیدا می‌کنند، در شمار نمادهای پیروان این دین به حساب می‌آیند. همه اینها، اشیا هستند، اما مفهوم و ارزشی فراتر از ظاهر خود به مخاطب عرضه می‌کنند، به خصوص اگر در مواجهه با آن نماد، احساسات مخاطب، تهییج یا جریحه‌دار شود.

مفهوم فضای عمومی

واژه عمومی، به صورت کلی، در برابر خصوصی به کار می‌رود. بر این مبنا، فضای عمومی محیطی است که به مردم تعلق دارد یا در دسترس افراد مختلف قرار می‌گیرد. به عبارت دیگر، فضای عمومی، فضایی است که از سوی دولت تدارک شده و بستر مشترکی تلقی می‌شود که مردم برای فعالیت‌های مختلف اجتماعی یا مراسم خود از آن استفاده می‌کنند. چنین محیطی اغلب در راستای فعالیت‌های سیاسی، مذهبی، اقتصادی و ورزشی استفاده می‌شود. ویژگی اصلی فضای عمومی این است که زندگی جمعی و فرهنگ شهری و مباحث روزمره انسان را در برمی‌گیرد و در عین حال، بر آنها تأثیر می‌گذارد. بدین ترتیب خیابان‌ها، پارک‌ها و میادین شهری و همچنین ساختمان‌های مربوط به اماکن عمومی مانند مدارس، دانشگاه‌ها و

1. Holy Rosary

بیمارستان‌ها مشمول این عنوان می‌شوند. با توجه به آنچه گفته شد، فضای عمومی، مکانی است که در آن بیشترین میزان تماس و تعامل انسان‌ها صورت می‌گیرد و حق دسترسی مردم به آنها را نمی‌توان منع کرد، به این معنا که فراتر از اینکه مالکیت آن محیط مربوط به یک شخص یا دولت باشد، مالک آن فضا قاعدتاً نمی‌تواند مردم را از حضور در آن مکان منع کند (رفیعیان و سیفایی، ۱۳۸۴: ۳۷-۳۶).

نماد صلیب در فضاهای عمومی از نظر محاکم ایتالیا

تمرکز ما به‌عنوان نمونه‌ای بارز از ترسیم رابطه حقوق و اصول بیان‌شده، یعنی تضاد بین آزادی بروز اعتقاد مذهبی و ایجاد محدودیت برای آن از طرف حکومت‌ها، متوجه موضوعی است که در ادبیات حقوقی ایران، چندان مورد بحث نبوده است، اما به‌وضوح می‌تواند نظام حقوقی در انظار عمومی قرار دادن یک نماد مذهبی خاص مانند صلیب را در بین کشورهای عضو شورای اروپا توصیف کند. قضیه‌ای که بررسی خواهیم کرد، به‌عنوان پرونده «لائوتزی علیه ایتالیا»^۱ شناخته شده است. دلیل اهمیت این پرونده وجود آرای محاکم متعدد است که در قلمرو ملی و همچنین در فضای منطقه‌ای اروپا، تأثیرگذاری زیادی داشته و رویه‌های مختلفی را گنجانده است. خانمی به نام «سوئیله لائوتزی»^۲، شهروندی ایتالیایی با اصالت فنلاندی، وجود نماد صلیب، یکی از نمادهای مذهبی دین مسیحیت را در کلاس‌های درسی فرزندان خود که در مدارس دولتی ایتالیا مشغول به تحصیل بودند، با اصولی چون آزادی عقیده و وجدان مغایر می‌دانست، زیرا خانواده لائوتزی، اعتقادی به مذهب مسیحیت نداشتند و او احساس می‌کرد که حضور این نماد مسیحی در فضای عمومی، حق بر آزادی وجدان محصلان را زیر سؤال برده است. ضمن اینکه حضور صلیب در مدارس با چارچوب حکومت سکولار، یعنی رژیمی که دین را از نظام حقوقی جدا کرده است، سازگار به‌نظر نمی‌رسد (Mezzetti, 2013: 480). در این زمینه خانم لائوتزی به مدرسه فرزندان در خواستی کتبی ارائه کرده بود مبنی بر اینکه نماد صلیب باید از داخل کلاس‌ها برداشته شود. پس از ارائه اعتراض از طرف نامبرده، مرکز آموزشی پاسخ خود را این‌گونه ارائه کرد که براساس قانون شماره ۴۳۳۶ مصوب سال ۱۸۶۰، هر مدرسه‌ای در ایتالیا وظیفه دارد در کلاس‌های خود، نماد صلیب را در دید همگان قرار دهد (Cavana, 2012: 5) و حتی پس از تأسیس جمهوری ایتالیا در سال ۱۹۴۶ و با وجود اعلام اصل جدایی مذهب از حکومت براساس رأی شماره ۲۰۳ مصوب ۱۹۸۹ دادگاه قانون اساسی این کشور مبنی بر غیرمذهبی بودن حکومت (Corte costituzionale, 203-1989: point 7)، دستورالعمل‌ها و بخشنامه‌هایی از طرف وزارت آموزش عمومی^۳ ایتالیا صادر شده بودند که ضرورت در انظار عمومی قرار دادن نماد صلیب،

1. Lautsi V. Italy

2. Soile Lautsi

3. Ministero della pubblica istruzione

به‌خصوص در کلاس‌های درسی را متذکر می‌شدند (Randazzo, 2008: 352). براساس این مستندات، مرکز آموزشی درخواست خانم لائوتزی را رد کرد، اما وی، برای پیگیری حقوق خود نزد مراجع ذی صلاح، درخواستی جدید تقدیم کرد. از این پس، پرونده نزد محاکم ایتالیا جریان یافت و اولین مرحله رسیدگی قضایی، نزد شعبه شورای دولتی ایتالیا در شهر ونیز پیگیری شد. با مطالعه رأی شماره ۵۶ صادره در سال ۲۰۰۴ از طرف این شعبه، متوجه می‌شویم که خواسته خانم لائوتزی این‌گونه بیان شده بود: وجود صلیب (نماد مذهبی خاص مسیحیت) در فضای عمومی مانند کلاس درس یک مرکز آموزشی دولتی، با برخی قوانین، اصول و مقررات مهم مغایرت دارد، مانند اصل ۳ قانون اساسی ایتالیا در خصوص برابری شهروندان نزد قانون فراتر از مسائل اعتقادی و مذهبی، اصل ۱۹ قانون اساسی ایتالیا در زمینه حق بر آزادی مذهبی، بند ۱ ماده ۹ منشور اروپایی حقوق بشر در خصوص آزادی وجدان و مذهب و همچنین اصل جدایی دین از حکومت (Tribunale amministrativo regionale Veneto, 56-2004: point 4). در مقابل این استنادات و استدلالات، از منظر قضات شعبه رسیدگی‌کننده، هرچند در نظام حقوقی ایتالیا، اصل جدایی مذهب از حکومت، جزء اصول بنیادین رژیم سیاسی و حقوقی است و حکومت باید نسبت به ادیان مختلف، موضع بی‌طرفی را اتخاذ کند و در همین زمینه، برای مثال در نظام تعلیمات دینی مسیحیت در مدارس، قانونگذار با وجود پیش‌بینی آموزش اصول مذهبی مسیحیت در این اماکن، آن را الزامی اعلام نکرده است، اما در عین حال، در حقوق ایتالیا، مقرراتی وجود دارند که به‌صراحت الزامی بودن وجود نماد صلیب، مهم‌ترین نماد مذهب مسیحیت، را در کلاس‌ها مقرر می‌کنند و به‌نظر می‌رسد که وجود چنین مقرراتی با اصل جدایی مذهب از حکومت و اصول دیگر قانون اساسی مغایرت دارد. به‌صورت دقیق‌تر، شبهه‌ای برای قاضی ایجاد شده بود مبنی بر اینکه آیا مقررات اداری وزارت آموزش عمومی در خصوص الزامی بودن وجود صلیب در کلاس‌های درسی، با برخی اصول قانون اساسی، یعنی اصل ۲ در مورد حق بر کرامت انسانی، اصل ۳ در مورد برابری شهروندان نزد قانون فراتر از اعتقادات مذهبی، اصل ۷ در مورد تفکیک بین حکومت و مسیحیت کاتولیک، اصل ۸ در مورد برابری همه ادیان در برابر قانون، اصل ۱۹ در مورد حق بر آزادی مذهبی و اصل ۲۰ در مورد عدم دخالت دولت در امور داخلی انجمن‌ها و نهادهای مذهبی مغایرت دارد یا خیر؟ با توجه به جوانب مذکور، شعبه شورای دولتی شهر ونیز، از رسیدگی به دعوا خودداری کرد و پرونده را برای بررسی تطبیق مقررات مذکور با قانون اساسی، به مرجع صالح یعنی دادگاه قانون اساسی، ارجاع داد (Tribunale amministrativo regionale Veneto, 56-2004, point 11). حسب رأی شماره ۳۸۹ صادره از دادگاه قانون اساسی در سال ۲۰۰۴، قضات دادگاه، قرار عدم صلاحیت آن مرجع را برای رسیدگی به دعوا صادر کردند. از نظر آنها، وظیفه نهاد دادرسی اساسی رم، بررسی تطبیق قوانین عادی با قانون اساسی است نه مطالعه عدم مغایرت مصوبات قوه مجریه با بالاترین منبع حقوقی کشور. وظیفه اخیر مربوط به محاکم اداری و در رأس آنها شورای دولتی است (Corte costituzionale, 389-2004, point 24). بنابراین قضات

دادگاه قانون اساسی، پرونده خانم لائوتزی را به شعبه مذکور مسترد کردند. به نظر می‌رسد نظر دادگاه قانون اساسی، کاملاً منطقی و قانونی بوده، اما موضوعی که باعث تعجب است، ارجاع پرونده از دادگاه اداری به نهاد دادرسی اساسی است، زیرا تفکیک صلاحیت این دو دادگاه کاملاً مشخص و جزء موضوعات بدیهی آیین دادرسی و صلاحیت محاکم شناخته می‌شود. از همین نکته متوجه می‌شویم که در واقع قاضی اداری، بنا به اهمیت و حساسیت مسئله نزد افکار عمومی، سعی می‌کند با این روش، یعنی ارجاع پرونده نزد دادگاهی دیگر، خود را از اعلام نظر مبری کند تا مسئولیت چنین امر سنگینی، نزد افکار عمومی، از وی برداشته شود.

در نهایت در سال ۲۰۰۵ شعبه ونیز شورای دولتی، رأی خود را برخلاف میل باطنی صادر کرد و مقدماً دو موضوع را تحلیل کرد؛ اولین مورد مسئله اصل سکولار بودن حکومت است. در تفسیر این اصل، شعبه شورای دولتی، به یک رأی مشهور دادگاه قانون اساسی ایتالیا، یعنی رأی شماره ۲۰۳ صادره در سال ۱۹۸۹ تکیه کرد که در آن، اصل سکولار بودن حکومت ایتالیا توضیح داده شده است. با استناد به این رأی، قضات اداری اعلام کردند که حکومت مردم‌سالار، قلمرو احساسات مذهبی شهروندان را مجزا از سایر آزادی‌ها و حقوق و همچنین جدا از دخالت دولت ترسیم می‌کند. این تفکیک، این‌گونه تفسیر می‌شود که جایگاه حکومت در برابر حق بنیادین آزادی مذهبی کاملاً بی‌طرفانه است. منظور از بی‌طرفی این است که شهروندان می‌توانند به هر دینی که اراده کنند متمایل باشند، صرف‌نظر از اینکه ارزش‌های ارائه‌شده از طرف آن، چه محتوایی دارند (Tribunale amministrativo regionale Veneto, 1110-2005: point 7.2). این حق، هم در زمان مراجعه به یک دین خاص محفوظ است هم در زمان عدم مراجعه به یک مکتب مذهبی؛ یعنی همان‌طور که شهروندان می‌توانند یک دین را آزادانه قبول کنند، این آزادی را هم دارند که به هیچ دینی گرایش پیدا نکنند. در ادامه تفسیر مذکور، دادگاه اداری مقرر می‌دارد که در خصوص تنظیم رابطه دولت با عنصر دین، در قانون اساسی ایتالیا و منشور اروپایی حقوق بشر مقررات مختلفی بیان شده‌اند و بنا بر این اصول، طبیعی است که در مدارس دولتی، نظام آموزشی نمی‌تواند تعلیمات دینی یک مذهب خاص را بر دانش‌آموزان تحمیل کند و همه مسائل باید براساس آزادی و احترام متقابل ادیان مختلف پایه‌گذاری شوند (Tribunale amministrativo regionale Veneto, 1110-2005: point 7.3). موضوع دیگر، تفسیر نماد صلیب است. شعبه شورای دولتی در این خصوص اعتقاد داشت که صلیب، در فرهنگ ایتالیایی، فقط یک شیء نیست، بلکه نمادی است که در پی توضیح و القای مفهومی به مخاطب است و در واقع اعتقاد و ارزشی فراتر از جنبه مادی خود به نمایش می‌گذارد، مانند یک پرچم، یک تاج یا حلقه ازدواج. به نظر دادگاه، صلیب یک نماد تاریخی و حاوی ارزش‌های ملی مردم ایتالیا است (Tribunale amministrativo regionale Veneto, 1110-2005: point 8.1). صلیب به‌عنوان بخشی از تاریخ مردم ایتالیا شناسایی می‌شود و

نمی‌توان آن را از طریق قانونگذاری یا حکم حکومت یا تصمیم قاضی از میان برداشت. این نماد، نشان خاص مذاهب مسیحی است و فقط مربوط به مذهب کاتولیک نیست، بلکه فرقه‌های پروتستان و ارتدکس هم از آن استفاده می‌کنند (Tribunale amministrativo regionale Veneto, 1110-2005: point 9.2). پس از توضیح این دو نکته، قضات سعی می‌کنند دو اصل مذکور را با هم تلفیق کنند و در واقع به این مسئله بپردازند که چگونه در انظار عمومی قرار دادن نماد صلیب به‌عنوان نماد مسیحیت، با اصل سکولار بودن حکومت قابل جمع است. برای پاسخ به این پرسش، دادرس، ماهیت مسیحیت کاتولیک را تفسیر می‌کند و مقرر می‌دارد که در مبانی مسیحیت، ارزش‌هایی وجود دارند مانند برابری، آزادی و تحمل عقیده مخالف^۱ که همه اینها پایه حکومت سکولار مدرن مانند رژیم حاکم بر کشور ایتالیا را تشکیل می‌دهند (Tribunale amministrativo regionale Veneto, 1110-2005: point 11.1). در واقع، اصل سکولار بودن حکومت و مبانی مسیحیت، بسیار به هم نزدیک‌اند و بنا به تقریب این مفاهیم، تجلی نماد صلیب در فضاهای عمومی مانند کلاس‌های درسی با اصل جدایی دین از حکومت مغایرت ندارد (Tribunale amministrativo regionale Veneto, 1110-2005: point 11.6). به عبارت دیگر، از نظر این مرجع رسیدگی، وجود نماد صلیب در دید عموم، نه تنها اصل سکولار بودن حکومت را زیر سؤال نمی‌برد، بلکه تأکیدی بر ارزش‌های حکومت غیردینی ایتالیاست. در نهایت براساس حکمی که با توجه به مبانی و جهات موجهه مذکور صادر شد، درخواست خانم لائوتزی مبنی بر لزوم نبود صلیب در کلاس‌های درسی تأیید نشد (Puppnick, 2012: 3).

به‌منظور نقد و بررسی این رأی، باید بگوییم که تا قبل از نتیجه‌گیری قاضی اداری، مفاهیم به‌خوبی و درستی تفسیر و توضیح داده شده بودند، اما زمانی که تفاسیر مطروح یعنی معنی نماد صلیب و تجلی آن در انظار عمومی و ترسیم یک حکومت سکولار، به صدور حکم انجامید، تضاد مبانی نظری پیشین دادگاه با نتیجه‌گیری به‌وضوح دیده می‌شود. در واقع اگر حکومت سکولار، نظامی مستقل و بی‌طرف نسبت به ادیان جامعه است و صلیب، نماد کشور مسیحی محسوب می‌شود، پس منطقی است که حکومت سکولار، در اماکن اداری و آموزشی خود از آن استفاده نکند. شعبه و نیز شورای دولتی با این نتیجه‌گیری متضاد نسبت به استدلال خود، یعنی قانونی تلقی کردن وجود صلیب در کلاس‌های درسی در حکومت غیردینی، ثابت می‌کند که فراتر از مسائل حقوقی، این رأی محتوا و پیام سیاسی دارد، زیرا مسیحی بودن جامعه و کشور، بر حقوق افراد غلبه کرده و عملاً حق بر آزادی عقیده و وجدان افراد غیرمسیحی را زیر سؤال برده است. خانم لائوتزی پس از مواجهه با رد دعوا در مرحله بدوی دادرسی اداری، نسبت به رأی صادره، درخواست تجدیدنظر کرد و پرونده، به‌منظور رسیدگی به هیأت مرکزی شورای دولتی در شهر رم ارجاع داده شد. این شورا، در رأی شماره ۵۵۶ صادره در سال ۲۰۰۶، حکم دادگاه تالی را تأیید

کرد. قضات شورای دولتی در توجیه تصمیم خود استدلال کردند که اصل جدایی مذهب از حکومت، به معنای مجزا بودن عنصر سیاسی نسبت به عنصر معنوی است. از نظر دادگاه عالی، تفسیر این موضوع در دوره‌های تاریخی مختلف و در کشورهای گوناگون می‌تواند متفاوت باشد (Consiglio di stato, 556-2006: point 3). بنابراین از یک طرف، اصل جدایی مذهب از حکومت، مفهومی متغیر است و از طرف دیگر، صلیب نمادی است که بنا به مکانی که در آن قرار می‌گیرد، می‌تواند معانی گوناگونی را به مخاطب برساند. برای مثال در یک مکان مذهبی، وجود صلیب فقط مقصود و هدف دینی دارد. اما زمانی که در کلاس درسی در انظار عمومی قرار می‌گیرد، فراتر از معانی دینی، معانی دیگری را هم همراه خود عرضه می‌کند (Consiglio di stato, 556-2006: point 3). به بیان دیگر، برای افراد کاتولیک که در کلاس حاضرند، آن نماد جنبه مذهبی خود را حفظ می‌کند، ولی برای افراد غیر کاتولیک این سؤال پیش می‌آید که آیا وجود چنین نشانی، محل آزادی مذهبی آنها نمی‌شود؟ پاسخ قضات منفی است، زیرا از منظر شورا، برای افراد غیر کاتولیک، نماد صلیب، پیام ارزش‌های حکومت سکولار مانند کرامت انسانی، آزادی، برابری و تحمل عقیده مخالف را می‌رساند، یعنی ارزش‌هایی که بین مسیحیت و حکومت سکولار و مردم‌سالار، یکسان و مشترک‌اند (Laudani, 2010: 3). ناگفته نماند که این رویه با پرونده‌های مشابه سنوات گذشته و همچنین با آرای بعدی محاکم داخلی ایتالیا تطبیق دارد، زیرا هم شعب دیگر شورای دولتی^۱ هم خود هیأت مرکزی شورای دولتی^۲ رم و به همین صورت دیوان عالی کشور^۳ معتقدند که حضور صلیب در انظار عمومی و در اماکن عمومی دولتی، مانند مدارس یا دادگاه‌ها، نه تنها آزادی مذهبی و عقیده افراد غیرمسیحی را زیر سؤال نمی‌برد، بلکه در واقع این نشانی نماد تاریخی و فرهنگی ملت ایتالیا محسوب می‌شود و به نحوی آرمان‌های ملی و حکومتی را تحکیم می‌بخشد. تأکید و اصرار بر دیدگاه بیان شده نشان می‌دهد که محاکم اداری ایتالیا در قضیه تحت مطالعه (پرونده خانم لائوتزی) رویکردی خاص به مسئله داشتند، زیرا تلاش این نهادها حفظ ارزش‌های حاکمیتی است و نه الزاماً تضمین حقوق بنیادین شهروندان. در واقع محاکم این کشور سعی کردند ایجاد محدودیت برای آزادی مذهبی، عقیده و وجدان افراد غیرمسیحی را توجیه کنند و به جای احقاق حق مردم، مصلحت حکومت را ملاک تصمیم خود قرار دادند، هر چند وظیفه این گونه نهادها، دفاع از حقوق ملت در برابر زیاده‌خواهی‌های دولتی است.

نماد صلیب در فضاهای عمومی از نظر دیوان اروپایی حقوق بشر

پس از ناموفق بودن دعوی خانم لائوتزی نزد محاکم داخلی ایتالیا، او شکایت خود را تقدیم نهاد قضایی شورای اروپا، یعنی دیوان اروپایی حقوق بشر کرد. شرح دعوی معروف به «لائوتزی

1. Tribunale Amministrativo Regionale Lombardia, 603-2006.

2. Consiglio di Stato, 63-1988.

3. Corte di Cassazione, 5924-2011.

علیه ایتالیا»، به این صورت تنظیم شد که حضور نماد صلیب در کلاس درسی فرزندان شخص معترض، طبق ماده ۲ پروتکل الحاقی منشور اروپایی حقوق بشر ۱۹۵۲ و ماده ۹ خود منشور، به ترتیب حق بر آزادی تربیت و آموزش و حق بر آزادی عقیده، وجدان و مذهب خانواده‌اش را زیر سؤال برده است (Puppnick, 2012: 881)؛ در مرحله اول رسیدگی به دعوا، دادگاه تالی دیوان، غیر از مواد استنادی از طرف شاکی، ماده ۸ منشور مبنی بر حق احترام به زندگی خصوصی و خانوادگی شهروندان و ماده ۱۰ منشور مبنی بر آزادی بیان افراد را نیز دخیل دانسته و به تحلیل تلفیقی این مواد و تطبیق قوانین با موضوع دعوا پرداخته است (ECHR, 30814-06-2009: point 47). به صورت دقیق‌تر، از نظر قضات، احترام به تفکرات فلسفی و دینی والدین باید در چارچوبی تجلی یابد که نظام آموزشی ایجادشده توسط دولت، با انگیزه جذب و ارائه همه دیدگاه‌های جامعه اجرا شود تا هیچ دانش‌آموز و خانواده‌ای احساس نکند که در چنین نظام تربیتی، جای نظر بخشی از جامعه خالی است و کسی به عقاید آنها توجه ندارد. از منظر دادگاه تالی دیوان اروپایی حقوق بشر، کلاس درس، محیطی برای گردهم‌آوری تفکرات مختلف است و به همین دلیل، حکومت وظیفه نظارت دارد تا آموزش به صورت بی‌طرف و با احترام به ادیان مختلف اعمال شود (ECHR, 30814-06-2009: point 47). به علاوه، قضات اروپایی اعتقاد داشتند که براساس ماده ۹ منشور که آزادی مذهبی را به عنوان آزادی گرایش یا عدم گرایش به یک دین خاص معرفی کرده است، حضور نماد صلیب در فضای عمومی، مانند یک کلاس درسی، این حق دانش‌آموزان و خانواده‌ها را زیر سؤال می‌برد، زیرا هر فردی، حتی دانش‌آموز خردسال هم متوجه می‌شود که این نماد فقط معنی فرهنگی یا ارشادی ندارد، بلکه نمادی کاملاً دینی و مربوط به مذهب خاص است. حضور صلیب در کلاس درسی افراد خردسال حتی مشکلاتی فراتر از این هم ایجاد می‌کند، زیرا دانش‌آموزان در سنی‌اند که تأثیرپذیری زیادی دارند و تفکرات آنها می‌تواند کاملاً از طرف نظام آموزشی تحت‌الشعاع قرار گیرد (ECHR, 30814-06-2009: point 48). با توجه به این مقدمات، دادگاه تالی دیوان اروپایی حقوق بشر، دولت ایتالیا را محکوم کرد و با استناد به ماده ۹ منشور و ماده ۲ پروتکل الحاقی سال ۱۹۵۲، حق خانم لائوتزی مبنی بر عدم نصب نماد صلیب در کلاس درسی فرزندان را به رسمیت شناخت (ECHR, 30814-06-2009: point 70). در واقع دلیل اصلی صدور رأی به نفع شاکیه، تفسیر قضات اروپایی در خصوص نماد صلیب است، زیرا از دیدگاه آنان، صلیب، نماد کاملاً مذهبی و دینی معرفی شده و به همین سبب، وجودش در فضای عمومی، ضایع‌کننده آزادی مذهبی افراد غیرمسیحی معرفی شده است. در صورتی که در محاکم داخلی ایتالیا، همان‌طور که دیده شد، نماد صلیب، فقط به عنوان عنصری دینی شناخته نشد، بلکه نماد برخی از ارزش‌های حکومت سکولار عنوان شده بود (Taricci, 2014: 64). به عبارت دیگر، هرچند نتیجه‌گیری رأی بدوی دیوان اروپایی حقوق بشر با تحلیل اولیه محاکم اداری ایتالیا همخوانی نسبی داشت، نتیجه کاملاً متفاوت بود، زیرا همان‌گونه که مطرح شد، رأی شورای دولتی با

استدلالات اولیه آن نهاد در تعارض بود، لکن نزد دادگاه بین‌المللی مذکور، تفاسیر حقوقی و منطقی بر نظرهای سیاسی مبتنی بر میل حاکمیت و مقتضیات فرهنگی غلبه داشته و به این طریق حقوق بنیادین خانواده لائوتزی رسمیت پیدا کرده‌اند. اضافه بر اینها، باید بگوییم رأی اخیر که به صورت انحصاری و خاص در خصوص بحث صلیب مطرح شده، با رویه قضایی چند سال اخیر دیوان اروپایی حقوق بشر در مورد وجود نمادهای مذهبی در انتظار عمومی هم تطبیق دارد، زیرا در آرای متعددی، دیوان با حضور نمادهای مذهبی که «مفهوم ظاهری مقتدر»^۱ و پرمحتوایی را در فضاهای عمومی بروز می‌دادند، مخالفت کرده است. البته همه این آرا به بحث حجاب اسلامی می‌پرداختند نه موضوع صلیب. برای مثال در قضیه‌ای مربوط به کشور سوئیس، دیوان اروپایی درخواست یک بانوی مسلمان مبنی بر کسب مجوز برای حضور در مدرسه با پوشش اسلامی را رد کرد با این استدلال که وجود نماد مذهبی حجاب، تأثیر زیادی در مخاطب دارد و در مدارس، بنا به بی‌طرفی نظام آموزشی نسبت به ادیان جامعه، تجلی چنین نمادهای پرمحتوا و مقتدر، استقلال نظام آموزشی، سکولار بودن حکومت و همچنین آزادی عقیده دیگر افراد حاضر در کلاس‌های درسی را زیر سؤال می‌برد.^۲ در آرای دیگر دیوان هم چنین رویه‌ای قابل مشاهده است، هرچند هیچ‌کدام از این آرا که مربوط به ترکیه و فرانسه می‌شوند^۳، با مسئله صلیب ارتباط پیدا نمی‌کنند و در آنها، موضوع اصلی، وجود حجاب اسلامی در انتظار عمومی است. به هر حال رویه دیوان، تا قبل از پرونده خانواده لائوتزی، مخالفت با نمادهای مذهبی با مفهوم دینی واضح و پررنگ در انتظار عمومی بوده و رأی اخیر هم تأیید بر چنین رویه‌ای است^۴ و اتفاقاً نهادهای قضایی اروپایی دیگر هم، مانند دیوان دادگستری اتحادیه اروپا، آرای مشابه صادر کرده‌اند.^۵ البته ناگفته نماند که در بخش جهات موجهه همه این آرا، دادرسی اروپایی سعی می‌کند منطق اصلی صدور رأی را نوع تفسیر اصل سکولار بودن حکومت در هر نظام حقوقی معرفی کند. برای مثال در پرونده معروف خانم «لیلا شاهین علیه ترکیه»، قضات اروپایی برای تحلیل مسئله، به صراحت به رویه موجود در ترکیه اشاره می‌کنند و مخالفت با حضور حجاب اسلامی در انتظار عمومی این کشور را با تمرکز و تأکید بر آرای دادگاه قانون اساسی آنکارا در نظر می‌گیرند (ECHR, 44774-98, 2005: points 113-114).^۶ البته برای خانم

1. *Signe extérieur fort.*

2. ECHR, *Dahlab V. Switzerland*, 42393-98, 2001.

3. ECHR, *Leyla Sahin V. Turkey*, 44774-98, 2005; *El Morsli V. France*, 15585-06, 2008; *Kervanci V. France*, 31645-04, 2008.

4. ECHR, *Karaduman V. Turkey*, 74DR93, 1993; *Ahmet Arslan and Others V. Turkey*, 41135-98, 2010.

5. CJEU, *Achbita V. G4S Secure Solutions NV*, C-157-15, 2017.

۶. در نظرهای نهاد دادرسی اساسی ترکیه بحث جدایی دین از حکومت جزو والاترین اصول رژیم سیاسی این جمهوری معرفی می‌شود و دیدگاه بسیار منفی نسبت به دخالت دین در مسائل عمومی وجود دارد (Anayasa 1989, *Mahkemesi*, 20216). در صورتی که در نظام حقوقی ایتالیا، هرچند دادگاه قانون اساسی سکولار بودن حکومت را تأیید کرده، اما به هر حال دخالت عنصر دین در مسائل عمومی الزاماً مسئله‌ای مخل نظم عمومی

لائوتزی، رأی صادره در سال ۲۰۰۹ پایان قضیهٔ مربوط به صلیب نبود، چراکه دولت رم، درخواست تجدیدنظر خود را به دیوان ارائه کرد و هیأت عمومی دیوان اروپایی حقوق بشر^۱ به‌عنوان دادگاه عالی اروپایی، حل‌وفصل دعوا را به‌عهده گرفت (ECHR, 30814-06-2011: points 5-6). بنا به اهمیت موضوع و وجود احتمال قوی برای ایجاد رویهٔ قضایی مستحکم و مستقل در خصوص در انتظار عمومی قرار دادن نماد صلیب برای کل قارهٔ اروپا، غیر از طرفین اصلی دعوا، خیلی از دولت‌های اروپایی که احساس می‌کردند امکان دارد در آینده با مشکلی شبیه به چالش موجود برای دولت رم مواجه شوند، در جریان پرونده حاضر شدند و از دفاعیهٔ ایتالیا اعلام حمایت کردند. در مقابل، نهادهای غیردولتی زیادی که در امر دفاع از حقوق بشر فعال بودند، از استدلال حقوقی خانم لائوتزی دفاع کردند و جزء اطراف غیر اصلی دعوا شناخته شدند (ECHR, 30814-06-2011: point 8). قضات هیأت عمومی دیوان اروپایی حقوق بشر در تحلیل مقدماتی خود اعلام کردند که براساس مادهٔ ۲ پروتکل الحاقی سال ۱۹۵۲ دولت‌های عضو وظیفه دارند به عقاید فلسفی و مذهبی خانواده‌ها در نظام آموزشی مدارس احترام بگذارند. این احترام، فقط در مورد ارائهٔ دروس فلسفی و دینی مطرح نیست، بلکه با نحوهٔ چیدمان اشیای داخل کلاس درسی و تنظیم ظاهر اماکن آموزشی هم ارتباط پیدا می‌کند (ECHR, 30814-06-2011: points 63-64). از سوی دیگر، درست است که دولت‌ها باید به عقاید خانواده‌ها و دانش‌آموزان احترام بگذارند، اما هر حکومتی تا حدی در اجرای این موضوع استقلال دارد و می‌تواند این اصل را با اصول دیگری چون مصلحت مربوط به پیروان دین اکثریت جامعه تطبیق دهد که در نظام حقوقی شورای اروپا به روش ایجاد این نوع توازن از طرف دولت‌ها، «حاشیهٔ صلاحدید»^۲ گفته می‌شود (ECHR, 30814-06-2011: point 70)؛ یعنی عملاً ابزاری برای برقراری تعامل بین حق و مصلحت (عبدی و زمانی، ۱۳۹۵: ۶۳). به زبانی دیگر حاشیهٔ صلاحدید یا همان «ایدهٔ حاشیهٔ تفسیر» (رهابی، ۱۳۸۹: ۷۸)، به کشورهای عضو شورای اروپا این اختیار را می‌دهد که میان منافع عمومی جامعه و حقوق و آزادی‌های شهروندان، تعادلی منطقی ایجاد کند. البته قضات بر این عقیده بودند که نظارت بر اعمال حاشیهٔ صلاحدید از سوی دولت‌ها، برای دیوان محفوظ است و دول عضو نمی‌توانند به‌صورت افراطی از این ابزار استفاده کنند، که این رویه در آرای دیگری هم قابل مشاهده است (ECHR, 55170-00-2006: point 34). به‌عبارت دیگر هر اعمال محدودیتی برای حقوق و آزادی‌های شهروندان اروپایی قابل پذیرش نیست، بلکه فقط در موارد خاص یک حکومت می‌تواند از این روش بهره‌مند شود (ECHR, 184-02-2007: point 62). در دعوی مطرح، اعمال حاشیهٔ صلاحدید دولت ایتالیا تا

شناسایی نشده است (Corte costituzionale, 203-89). اضافه بر این در ترکیه اصل ۲ قانون اساسی به‌صراحت سکولار بودن رژیم سیاسی را عنوان می‌کند، اما در قانون اساسی ایتالیا به‌وضوح چنین اصلی دیده نمی‌شود.

1. Grand Chamber of European Court of Human Rights.
2. Margin of Appreciation

آنجایی قابل قبول است که حضور نماد صلیب در کلاس درس، عنصری برای تأثیرگذاری در تفکر و عقیده دانش‌آموزان محسوب نشود. از نظر قضات، دولت ایتالیا ثابت کرده است که نماد صلیب، هیچ مکتب مذهبی را بر کسی تحمیل نمی‌کند، زیرا در کلاس‌های درس، نمادهای دیگر ادیان هم حضور دارند و هیچ قانونی مکاتب دیگر را از در انظار عمومی قرار دادن نمادهای خود منع نکرده است. برای مثال مسلمین می‌توانند در کلاس‌های مدرسه حجاب داشته باشند و در خیلی از مراکز آموزشی، آیین‌های دیگر مذاهب هم بر پا هستند و این مسئله به‌خوبی نشان می‌دهد که وجود صلیب در فضای عمومی مدارس، ضایع‌کننده عقاید مذهبی دیگران نیست و اتفاقاً محیط مدارس ایتالیا بسیار باز و همگانی‌اند تا همه افراد جامعه بتوانند آزادی مذهبی خود را بروز دهند (ECHR, 30814-06-2011: point 74). البته ناگفته پیداست که تفسیر هیأت عمومی نسبت به نماد صلیب با تفسیر محاکم داخلی ایتالیا متفاوت است و دادگاه عالی اروپایی، مانند دادگاه تالی خود، اعتقاد دارد که صلیب، در مجموع، نماد کاملاً مذهبی است و نماد ارزش‌های حکومت غیردینی نیست (ECHR, 30814-06-2011: point 66). با وجود این، چون در انظار عمومی قرار دادن آن، لزوماً متضمن ترویج مذهب خاصی نیست، بلکه استفاده از صلیب یک سنت ملی محسوب می‌شود و نظام حقوقی حاکم بر این موضوع، جزء حاشیه صلاحدید دولت‌هاست و چون دولت ایتالیا ثابت کرده است که وجود نماد صلیب با وجود نمادهای ادیان دیگر در کلاس‌های درسی تعارض ندارد، پس اقدام به نصب صلیب در کلاس درس، منشور اروپایی حقوق بشر و پروتکل الحاقی را در امر آزادی مذهبی و آموزشی ضایع نمی‌کند. بنابراین هیأت عمومی، رأی دادگاه تالی را نقض کرد و حکم نهایی به نفع دولت ایتالیا صادر شد (ECHR, 30814-06-2011: point 81). رأی نهایی هیأت عمومی دیوان، رویه قبلی این نهاد در خصوص نظام حقوقی وجود نمادهای مذهبی در انظار عمومی را تغییر داده است، هرچند تطابق کامل بین پرونده‌های موردنظر و پرونده خانم لائوتزی وجود ندارد، زیرا مسائل بررسی شده، همه در خصوص حجاب اسلامی است و از این حیث پرونده خانم لائوتزی موضوعی جدید و منحصر به فرد محسوب می‌شود. اضافه بر این تفاوت مهم دیگر این است که آرای مرتبط با حجاب مربوط به قلمرو کشورهایی مانند سوئیس، ترکیه و فرانسه است که تفاسیری متفاوت نسبت به حکومت ایتالیا در حوزه دخالت دین در فضای عمومی ارائه می‌کنند و بی‌شک این عنصر هم به‌خصوص با استناد به دکترین حاشیه صلاحدید و استقلال نسبی دولت‌ها، ملاک مهمی برای تصمیم‌گیری دیوان به حساب می‌آید.

نتیجه‌گیری

در سنوات اخیر، دولت‌های اروپایی با مسئله رشد مهاجرت از کشورهای غیرمسیحی به اروپا روبه‌رو شدند و این امر تأثیری مستقیم در موضوع همزیستی مسالمت‌آمیز اقوام و مذاهب

مختلف گذاشته است (Zanfrini, 2012: 104-105). نظام‌های حقوقی مجبور شدند تا ابزارهایی را برای تنظیم این مسئله ایجاد کنند، زیرا از یک طرف منشور اروپایی حقوق بشر آزادی‌هایی را برای مردم اعلام کرده است و از طرف دیگر، حکومت‌ها به‌سادگی حاضر نیستند سنت‌های مذهبی خود را کنار بگذارند. برای اینکه این دو اصل متضاد در جامعه چالش ایجاد نکنند، نظام حقوقی شورای اروپا ابزاری به نام «حاشیه صلاحدید» را در اختیار دولت‌های قرار داده است که از طریق آن، حکومت‌ها بتوانند تعادلی بین سنت‌های جامعه و حقوق اقلیت‌ها برقرار کنند (Anrò, 2010: 8). تجلی حقوقی - قضایی این چالش بین یک سنت ملی - مذهبی (در انتظار عمومی قرار دادن نماد صلیب) و حقوق بشر بخشی از جامعه در ایتالیا (حق یک خانواده بر عدم پیروی از دین خاص) در قضیه خانم لائوتزی بروز یافت، زیرا در این پرونده، هر مرجع رسیدگی، نماینده یک اصل و دیدگاه خاص شده است. محاکم عالی اداری و عمومی ایتالیا با تفاسیری شاذ و شاید غیرواقعی، سعی کردند نماد صلیب را به‌عنوان یک نشانی حکومتی و تاریخی معرفی کنند تا بتوانند آن را بر آزادی مذهبی غیرمسیحیان برتر جلوه دهند، هر چند ماهیت دینی این نماد بر همگان روشن است (Cavino, Tripodina, 2012: 186). از طرف دیگر، قضات دادگاه تالی اروپایی، جنبه آزادی مذهبی افراد غیرمسیحی ایتالیا را تقویت کرده و به‌صراحت اعلام کردند که حضور صلیب در مدارس، تبعیض نظام حقوقی این کشور نسبت به مسئله آزادی وجدان، عقیده و مذهب را ثابت می‌کند (Krisch, 2010: 111). سرانجام دادگاه عالی اروپایی، نظر خود را صادر و بین این دو دیدگاه متضاد، دیدگاه سومی را اعلام کرد که ظاهراً با دیدگاه محاکم ایتالیا هماهنگ است، با این تفاوت که نمادی چون صلیب را به این شرط قابل در نظر عمومی قرار دادن می‌داند که از یک طرف، این موضوع افراد را مجبور به پیروی از مسیحیت نکند و از طرف دیگر، دولت ایتالیا از طریق استفاده از ابزار «حاشیه صلاحدید»، بتواند توازنی منطقی بین مصلحت عمومی و حقوق اقلیت جامعه ایجاد کند. اضافه بر اینها، اگر بخواهیم مقایسه‌ای بین آرای دیوان ارائه کنیم، دو تصور متفاوت در ذهن ایجاد می‌شود؛ اول اینکه قضات اروپایی، چرخش به‌وجودآمده از طرف هیأت عمومی در قضیه خانم لائوتزی نسبت به پرونده‌های سنوات گذشته را دیدگاه تبعیض‌آمیز در خصوص بانوان مسلمان عنوان می‌کنند، چراکه همین معیار را برای مسیحیان مورد استناد قرار نمی‌دهند، زیرا گروه مذهبی اخیر می‌تواند در انتظار عمومی از نماد خاص خود (صلیب) بهره‌بردار، اما مسلمین نمی‌توانند از حجاب در فضای عمومی استفاده کنند. تصور دوم این است که در واقع چرخش ظاهری این دادگاه بین‌المللی، با نگاهی تخصصی‌تر و دقیق‌تر، تغییر رویه نیست، بلکه به‌نوعی تثبیت روند گذشته محسوب می‌شود، زیرا درست است که در پرونده‌هایی چون «لیلا شاهین علیه ترکیه» و غیره حق بنیادین مسلمین محدود شده، اما به هر حال پیروز میدان دکتترین «حاشیه صلاحدید» است. به کلامی دیگر، نکته مشترک همه این آرا، غلبه نظر دولت و مصلحت آن بر آزادی مذهبی یا عقیده افراد است و

تفاوتی بین خانم شاهین مسلمان و خانم لائوتزی بی‌دین وجود ندارد. در واقع پیام دیوان این است که تفاسیر متعددی از اصل جدایی دین از حکومت و مسائل عمومی وجود دارد و در هر کشوری نظام حقوقی در انظار عمومی قرار دادن نمادهای مذهبی باید با تفسیر خاص سکولار بودن رژیم سیاسی تطبیق داشته باشد. با این استدلال متوجه می‌شویم که تفاوت دیدگاه در خصوص پرونده‌های مربوط به حجاب اسلامی نسبت به قضیه صلیب منطقی به نظر می‌رسد، زیرا تمرکز حقوقدان نباید به سمت خود نماد باشد (حجاب برای مسلمانان، صلیب برای مسیحیان)، بلکه توجه باید به سوی تفسیر متفاوت هر نظام حقوقی نسبت به اصل رابطه دین با مسائل عمومی گرایش پیدا کند. با چنین دیدگاهی، متعدد بودن نظام‌های حقوقی وجود صلیب یا هر نماد دینی دیگر در فضای عمومی بین کشورهای عضو سازمانی واحد مانند شورای اروپا منطق خود را پیدا می‌کند؛ با اینکه این مسئله ممکن است در حوزه تضمین حقوق بنیادین شهروندان و آزادی مذهبی و عقیده محدودیت‌هایی را به همراه داشته باشد.

منابع

۱. فارسی

الف) مقالات

۱. تقی‌زاده داوری، محمود؛ بابایی، امید (۱۳۹۵)، «تفسیر نمادهای دینی در مناسک شیعی (مطالعه موردی: نخل‌گردانی در ابیان)»، *فصلنامه علمی پژوهشی شیعه‌شناسی*، سال چهاردهم، ش ۵۳، ص ۶۶-۳۵.
۲. رسولیان آریانی، صدیقه؛ مباشری، محبوبه (۱۳۹۶)، «بررسی نمادهای عرفانی و مذهبی و تأثیر آنها بر شعر پایدار»، *فصلنامه علمی پژوهشی عرفانیات در ادب فارسی*، ش ۳۰، ص ۱۵۵-۱۲۸.
۳. رفیعیان، مجتبی؛ سیفایی، مهسا (۱۳۸۴)، «فضاهای عمومی شهری؛ بازنگری و ارزیابی کیفی»، *نشریه هنرهای زیبا*، ش ۲۳، ص ۴۲-۳۵.
۴. رهایی، سعید (۱۳۸۹)، «دکترین «حاشیه تفسیر» و محدودیت‌های حق بر ابراز دین، با تأکید بر وضعیت مسلمانان در اروپا»، *نامه مفید*، ش ۷۹، ص ۱۰۰-۷۷.
۵. شهبازی، آرامش (۱۳۸۹)، «هتک حرمت ساحت مقدس قرآن کریم در آمریکا در ترازوی حقوق بین‌الملل»، *مجله حقوقی بین‌المللی*، دوره ۲۷، ش ۴۳، ص ۶۱-۳۹.
۶. عبدی، ایوب؛ زمانی، سید قاسم (۱۳۹۵)، «حاشیه صلاح‌دید دولت‌ها در آزادی دین در پرتو رویه دیوان اروپایی حقوق بشر»، *فصلنامه پژوهش حقوق عمومی*، سال نوزدهم، ش ۵۵، ص ۸۲-۶۱.
۷. مقامی، امیر؛ مکی، شادی سادات (۱۳۹۷)، «جلوه‌های حق بر آزادی ابراز مذهب در رویه نهادهای بین‌المللی حقوق بشر»، *فصلنامه مطالعات حقوق عمومی*، دوره ۴۸، ش ۱، ص ۱۵۷-۱۳۹.

۲. انگلیسی

A) Books

1. Abdi, Ayyoub, Zamani, Seyyed Qasem (2016), "Margin of Appreciation Of States About Religious Freedom In The Light of European Court of Human Rights Jurisprudence", *Public Law Review*, Vol. 19, Issue 55, pp. 61-82 (In Persian).
2. Anrò, Ilaria (2010), *Il margine di apprezzamento nella giurisprudenza della Corte di giustizia dell'Unione europea e della Corte europea dei diritti dell'uomo, in La funzione giurisdizionale nell'ordinamento internazionale e nell'ordinamento comunitario*, Napoli, Edizioni Scientifiche.
3. Cavino, Massimo & Tripodina, Chiara (2012), *La tutela dei diritti fondamentali tra diritto politico e diritto giurisprudenziale*, Giuffrè, Milano.
4. Iaricci, Gian Piero (2014), *Istituzioni di diritto pubblico*, Rimini, Maggioli.
5. Krisch, Nico (2010), *Beyond Constitutionalism: The Pluralist Structure of Postnational Law*, Oxford, Oxford University Press.
6. Maqami, Amir, Makki, Shadi Sadat (2018), "Implications of Freedom of Religion on the Basis of the Case Law of International Human Rights Bodies", *Journal of Public Law*, Vol. 48, Issue 1, pp. 139-157 (In Persian).
7. Mezzetti, Luca (2013), *Diritto costituzionale. Manuale breve*, Milano, Giuffrè.
8. Morrone, Adriano (2007), *Lineamenti di diritto dell'Unione europea*, Milano, Franco Angeli.
9. Parisi, Marco (2006). *Simboli e comportamenti religiosi nella società plurale*, Napoli, Edizioni scientifiche.
10. Rafiyan, Mojtaba, Seifayi, Mahsa (2005), "Public Spaces in the Cities. Rethinking and Quality Analysis", *Journal of Fine Arts*, Vol. 23, pp. 35-42 (In Persian).
11. Rahayi, TSaidi (2010), "Margin Appreciation Doctrine and Limitation About Religious Faith, With Attention to Muslims Situation in Europe", *Mofid Letter Journal*, Issue 79, pp. 77-100 (In Persian).
12. Randazzo, Barbara (2008), *Diversi ed eguali: le confessioni religiose davanti alla legge*, Milano, Giuffrè.
13. Rasulian Aryani, Seddiqeh, Mobasheri, Mahbubeh (2017), "Study on Gnosis and Religious Symbols and Impact on Stable Poetry", *Journal of Gnosis in Persian Literature*, Issue 30, pp. 128-155 (In Persian).
14. Shahbazi, Aramesh (2010), "Insult To Holy Koran in United States from The Point of View of International Law", *International Law Journal*, Vol. 27, Issue 43, pp. 39-61 (In Persian).
15. Taqi Zadeh Davari, Mahmood, Omid Babaei F (2016), "Interpretation of Religious Symbols in Shia Traditions (Ceremony of Nakhl-Gardany in Abyaneh)", *Shia Studies Journal*, Vol. 14, Issue 53, pp. 35-66 (In Persian).

B) Articles

16. Cavana, Paolo (2012), "I simboli religiosi nello spazio pubblico nella recente esperienza europea", *Stato, Chiese e pluralismo confessionale*, No. 28, pp. 1-47.
17. Laudani, Fabrizio (2010), "La questione del crocifisso all'indomani della sentenza della Corte EDU e del Trattato di Lisbona", *Forum di quaderni*

costituzionali, No. 1, pp. 1-16.

18. Puppnick, Gregor (2012), "The case of Lautsi v. Italy: a synthesis", *BYU Law Review*, Issue 3, 873-927.
19. Puppnick, Gregor (2012), "Il caso Lautsi contro l'Italia", *Stato, Chiese e pluralismo confessionale*, No. 1, pp. 1-49.
20. Turchi, Vincenzo (2017), "Convivenza delle diversità, pluralismo religioso e universalità dei diritti. Modelli di approccio. Indicazioni metodologiche", *Stato, Chiese e pluralismo confessionale*, No. 16, pp.1-27.
21. Zanfrini, Laura (2012), "Convivere con il differente. Il modello italiano alla prova (dell'immigrazione)", *Revista Interdisciplinar da Mobilidade Humana*, Ano XX, No. 38, pp.101-123.

C) Jurisprudence

22. African Commission on Human and People's Rights, No. 006-2012 (ACHPR V. Kenya), 26 May 2017.
23. Anayasa Mahkemesi, No. 20216, 7 March 1989.
24. Consiglio di Stato, No. 63, 27 April 1988.
25. Consiglio di Stato, No. 556, 13 January 2006.
26. Corte Costituzionale, No. 203, 11 April 1989.
27. Corte Costituzionale, No. 389, 26 October 2004.
28. Corte di Cassazione, No. 5924, 14 March 2011.
29. Court of Justice of the European Union, No. C-157-15 (Achbita V. G4S Secure Solutions NV), 14 March 2017.
30. European Commission of Human Rights, No. 74DR93 (Karaduman V. Turkey), 3 May 1993.
31. European Court of Human Rights, No. 42393-98 (Dahlab V. Switzerland), 15 February 2001.
32. European Court of Human Rights, No. 44774-98 (Leyla Sahin V. Turkey), 10 November 2005.
33. European Court of Human Rights, n. 55170-00 (Kosteski V. Macedonia), 13 April 2006. No. 184-02 (Kuznetsov and Others V. Russia), 11 January 2007.
35. European Court of Human Rights, No. 15585-06 (El Morsli V. France), 4 March 2008.
36. European Court of Human Rights, No. 31645-04, (Kervanci V. France), 4 December 2008.
37. European Court of Human Rights, No. 30814-06 (Lautsi V. Italy), 3 November 2009.
38. European Court of Human Rights, No. 41135-98 (Ahmet Arslan and Others V. Turkey), 23 February 2010.
39. European Court of Human Rights, No. 30814-06 (Lautsi V. Italy), 18 March 2011.
40. Tribunale Amministrativo Regionale Lombardia, No. 603, 11 July 2006.
41. Tribunale Amministrativo Regionale Veneto, No. 56, 14 January 2004.
42. Tribunale Amministrativo Regionale Veneto, No. 1110, 22 March 2005.